



موسسه ایران دانش نوین

رویای خودت شو...



@IranDaneshNovin



@Iran\_Danesh\_Novin

برای دانلود بقیه ی جزوات با کلیک روی لینک های زیر به  
سایت یا کانال های ما در تلگرام و اینستاگرام سر بزنید:

[www.IDNovin.com](http://www.IDNovin.com)

<https://telegram.me/irandaneshnovin>

[http://instagram.com/iran\\_danesh\\_novin](http://instagram.com/iran_danesh_novin)

# درسنامه فلسفه دوازدهم

تدریس مفاهیم و نکته‌ها در قالب مجموعه‌ای از پرسشهای خط به خط به همراه پاسخ پرسشها

تالیف و تنظیم: حسن زرین کلاه آموزش و پرورش شیراز - ناحیه دو

درس اول\*

1- فلسفه چه رابطه ای با علوم تجربی دارد؟

علوم تجربی بر اصول و پایه هایی استوار است که عبارتند از:

واقعیت داشتن جهان، قابل شناخت بودن، اصل علیت، درستی روش تجربه و آزمایش و ... این اصول بوسیله فلسفه مورد بررسی قرار گرفته و اثبات شده و در اختیار علوم تجربی قرار می گیرند.

2- فلسفه چه رابطه ای با علوم انسانی دارد؟

هر یک از رشته های علوم انسانی متکی به یک بینش فلسفی است و دانشمندان علوم انسانی (روان شناسی، جامعه شناسی، سیاست، حقوق و ...) بسته به اینکه پیرو کدام مکتب فلسفی باشند نظریاتشان در رشته ی تحقیقی شان با دیگر دانشمندان همان رشته که پیرو مکاتب فلسفی دیگر هستند تفاوت اساسی دارد پس بر اساس دیدگاه های مختلف فلسف مکتب و روش های مختلفی در علوم انسانی پدید می آید.

3- مابعدالطبیعه را تعریف کنید؟

علم به احوال موجودات از حیث وجود و فلسفه علم هستی شناسی است و بر این اعتبار به آن مابعدالطبیعه می گویند.

4- علوم مختلف و فلسفه هر کدام موجودات را چگونه بررسی می کنند؟

هر یک از علوم گوناگون به مطالعه ی چهره ای خاص از موجودات می پردازد. ریاضیات با کمیت و مقدار اشیاء سروکار دارد. فیزیک خواص ظاهری اشیاء مانند سردی و گرمی، حرکت سکون، جرم، نیرو، شتاب و... را مطالعه می کند. زمین شناسی با عوارض زمین و مواد تشکیل دهنده ی آن سروکار دارد، زیست شناسی حیات موجودات زنده را بررسی می کند و ...

5- موضوع فلسفه چیست؟

موضوع: وجود=مطلق وجود=وجود محض=بررسی جهان هستی از آن جهت که وجود دارد.

6- روش مابعدالطبیعه را توضیح داده و بنویسید چرا در فلسفه نمی توان از روش تجربه استفاده کرد؟

روش: مابعدالطبیعه وجود اشیاء را به کمک تبیین عقلانی یعنی به روش تعقلی می شناسد و با قدم عقل و برهان به پیش می رود. فلسفه به مطالعه ی عمق واقعیت اشیاء می پردازد. چنین تعمقی در اشیاء به روش تجربی و با اسباب و ابزار آزمایشگاهی مقدور نیست. زیرا این روش و ابزار تنها برای شناخت ظواهر و چهره های محسوس اشیاء به کار می آیند نه برای مطالعه در عمق و حقیقت نادیدنی آنها.

7- زبان مابعدالطبیعه را توضیح دهید؟

مابعدالطبیعه مباحث خود را در ضمن مفاهیمی چون وجوب و امکان، علت و معلول، حادث و قدیم، جوهر و عرض، وجود و ماهیت و ... تبیین می کند

تالیف و تنظیم: حسن زرین کلاه آموزش و پرورش شیراز - ناحیه دو

درس اول\*

1- فلسفه چه رابطه ای با علوم تجربی دارد؟

علوم تجربی بر اصول و پایه هایی استوار است که عبارتند از :

واقعیت داشتن جهان ، قابل شناخت بودن ، اصل علیت،درستی روش تجربه و آزمایش و ...این اصول بوسیله فلسفه مورد بررسی قرار گرفته و اثبات شده و در اختیار علوم تجربی قرار می گیرند.

2- فلسفه چه رابطه ای با علوم انسانی دارد؟

هر یک از رشته های علوم انسانی متکی به یک بینش فلسفی است و دانشمندان علوم انسانی (روان شناسی،جامعه شناسی،سیاست،حقوق و ...)بسته به اینکه پیرو کدام مکتب فلسفی باشند نظریاتشان در رشته ی تحقیقی شان با دیگر دانشمندان همان رشته که پیرو مکاتب فلسفی دیگر هستند تفاوت اساسی دارد پس بر اساس دیدگاه های مختلف فلسفس مکاتب و روش های مختلفی در علوم انسانی پدید می آید.

3- مابعدالطبیعه را تعریف کنید؟

علم به احول موجودات از حیث وجود و فلسفه علم هستی شناسی است و بر این اعتبار به آن مابعدالطبیعه می گویند.

4- علوم مختلف و فلسفه هر کدام موجودات را چگونه بررسی می کنند؟

هر یک از علوم گوناگون به مطالعه ی چهره ای خاص از موجودات می پردازد.ریاضیات با کمیت و مقدار اشیاء سروکار دارد.فیزیک خواص ظاهری اشیاء مانند سردی و گرمی،حرکت سکون،جرم،نیرو،شتاب و...رامطالعه می کند.زمین شناسی با عوارض زمین و مواد تشکیل دهنده ی آن سروکار دارد،زیست شناسی حیات موجودات زنده را بررسی می کند و ...

5- موضوع فلسفه چیست؟

موضوع: وجود=مطلق وجود=وجود محض=بررسی جهان هستی از آن جهت که وجود دارد.

6- روش مابعدالطبیعه را توضیح داده و بنویسید چرا در فلسفه نمی توان از روش تجربه استفاده کرد؟

روش: مابعدالطبیعه وجود اشیاء را به کمک تبیین عقلانی یعنی به روش تعقلی می شناسد و با قدم عقل و برهان به پیش می رود. فلسفه به مطالعه ی عمق واقعیت اشیاء می پردازد. چنین تعمقی در اشیاء به روش تجربی و با اسباب و ابزار آزمایشگاهی مقدور نیست. زیرا این روش و ابزار تنها برای شناخت ظواهر و چهره های محسوس اشیاء به کار می آیند نه برای مطالعه در عمق و حقیقت نادیدنی آنها.

7- زبان مابعدالطبیعه را توضیح دهید؟

مابعدالطبیعه مباحث خود را در ضمن مفاهیمی چون وجوب و امکان، علت و معلول، حادث و قدیم، جوهر و عرض، وجود و ماهیت و ... تبیین می کند

8- هدف مابعدالطبیعه را توضیح دهید؟

هدف: مباحث وجود نیز در فلسفه به قصد شناخت کل جهان هستی است. شناخت کل جهان هستی به عنوان یک مجموعه ی واحد.

9- در چه لحظاتی انسان دچار حیرت می شود؟

انسان وقتی در برابر عالم وجود دچار حیرت و شگفتی می شود وارد فطرت ثانی شده است.

10- فطرت اول و فطرت ثانی را با مثال توضیح دهید؟

فطرت اول همان حالت عادی و روزمره زندگی ماست. (تشکیل خانواده، تحصیلات دانشگاهی، و...)

فطرت ثانی: هنگامی که انسان درباره ی مسائل کلی جهان هستی هدف زندگی و جایگاه انسان در جهان هستی به تفکر فرو می رود و برای پاسخ گویی به سوالات خود به فکر فرو می رود در فطرت ثانی قرار دارد. بشر ذاتاً "متفکر است و تفکر همان فطرت ثانی اوست.

11- با توجه به آیات و روایات توضیح دهید که دین دارای ماهیت فلسفی است؟

هر جا که در قران و روایات مباحثی چون مبداء وجود، مراتب جهان هستی، جایگاه انسان در جهان هستی و ... (مسائل مربوط به وجود شناسی) آمده است این مباحث مربوط به قلمرو فلسفه است پس بسیاری از آیات قران کریم و روایات ماهیت فلسفی دارند

12- سخن امام سجاد (ع) را درباره ی توحید بنویسید؟

امام سجاد (ع) درباره ی توحید فرموده اند: خداوند می دانست در آخرالزمان گروه هایی ژرف اندیش خواهند آمد. از این رو سوره ی توحید و آیات اول سوره ی حدید ( یعنی: هو الاولو الآخر و الظاهر و الباطن و هو بکل شیء علیم) را فرستاد و هر کس سخنی غیر از آنان را بگوید هلاک شده است.

13- دو جبهه های مختلف را که در صدر اسلام در قبال مسائل عقلی پدید آمدند نام برده و عقاید هر کدام را بنویسید؟

در صدر اسلام در میان عامه (مسلمانان اهل سنت) دو جبهه مختلف در قبال مسائل به وجود آمد: یکی جبهه ی نفی و تعطیل که پیشروان آن گروهی به نام اهل حدیث یا همان اشاعره و گروهی دیگر که به اصالت عقل معتقد بودند به نام معتزله :

الف- اشاعره:

1- به اهل حدیث مشهور بودند و هر گونه بحث و تفکر در پیرامون جهان هستی را ناروا می شمردند.

2-معلوماتشان در حد نقل احادیث و خواندن ظاهر آیات بود.

3-تفسیر و تحقیق در مورد مسائل مابعدالطبیعه و حتی تفسیر در آیات قرآن را ناروا می دانستند.

ب - معتزله:

1-بحث عقلانی را جایز می شمردند حتی مسائلی از قرآن که با اعتقاد آنها سازگار نبود را رد می کردند.

2-این گروه به شیعه نزدیکتر بودند و از عقل فلسفی و استدلالی بهره مند بودند.

3-بسیاری از مسائل وارد شده در قرآن را رد می کردند چون با عقل خود سازگار نمی دیدند.

14- اهل حدیث به پرسش کننده گان مسائل عقلی چه پاسخی می دادند؟

جمله ی <>الکیفیه مجهوله و السؤال بدعه<> را که ظاهراً " جمله ی شایعی بوده ، مطرح می کردند.

15- روش پیشوایان دین در برخورد با پرسش کنندگان مسائل عقلی چگونه بود؟

آنها هیچ سوالی را محکوم نمی کردند و بدعت نمی شمردند. مکرر از ائمه ی اطهار (ع) پرسش هایی شده است و آنان نه تنها به تعطیل تفکر امر ننموده اند بلکه پاسخ هایی در حد توان فکری پرسش کننده بیان نموده اند.

16- خاستگاه فلسفه اسلامی را باید در کجا جستجو کرد؟

خاستگاه فلسفه ی اسلامی را باید در متن و بطن خود اسلام جست و جو کرد نه در برخورد تاریخی اسلام با فلسفه های دیگر.



**\*درس دوم\***

1- اوضاع فکری مسلمانان در دوران خلافت بنی امیه چگونه بود؟

دوران خلافت بنی امیه آمیخته با ظلم و سیاهی بود. در این دوره حکومت قومی و آداب جاهلیت تا حدی تجدید حیات یافت در نتیجه شرایط برای فعالیت‌های فکری و فرهنگی به حدی تعطیل در آمد و فرهنگ اسلامی دچار فترت و رکود شد.

2- اوضاع فرهنگی مسلمانان در دوران خلافت بنی عباس چگونه بود؟

خلافت بنی عباس نیز اگر چه با ظلم و ستم همراه بود اما از جنبه های علمی، اوضاع را تا حدودی دگرگون کرد.

3- در دوران خلافت بنی عباس دو واقعه ی مهم رخ داد، آن دو را بنویسید؟

1- ایرانیان به دستگاه خلافت را یافتند. 2- بغداد مرکز خلافت اسلامی قرار گرفت.

این دو واقعه تاثیر عمیقی بر رشد فلسفه و علوم دیگر گذاشت.

4- ایرانیان پیش از اسلام چگونه با فرهنگ یونانی آشنا شدند؟

اندکی پیش از فتوحات مسلمانان ، انوشیروان ساسانی در خوزستان مدرسه ای تاسیس کرد و بسیاری از کتب سریانی، هندی و یونانی را در آنجا گرد آورد. این مدرسه هفت تن از فلاسفه ی نو افلاطونی را که از آتن اخراج شده بودند را به استادی پذیرفت و به آنان اجازه داد که دانش خود را منتشر سازند. بدین ترتیب ایرانیان قبل از تسلط مسلمانان با فرهنگ یونانی آشنا شده بودند.

5- بیت الحکمه در چه شهری و توسط چه کسی تاسیس شد؟

در شهر بغداد و توسط هارون .

6- بیت الحکمه در چه زمانی رونق یافت و چه تاثیری در فرهنگ مسلمانان داشت؟

بیت الحکمه در زمان مامون عباسی رونق زیادی یافت و در این بیت الحکمه تمام کتب علمی جهان ترجمه و تدریس می شد و کار مطالعه و تحقیق بالا گرفت.

7- اسکندر افرویدیسی از شارحان ..... و ابن سینا او را ..... نامید؟

حکمت ارسطویی- فاضل متاخرین .

8- ترجمه ی آثار فلاسفه ی یونانی به زبان عربی چه تاثیری در اندیشه ی مسلمانان بر جای نهاد؟

بدین ترتیب میراث فلاسفه ی یونان و آنچه از معارف ملل قدیم غرب آسیا در حوزه های اسکندریه و حران و غیر آنها تمرکز یافته بود ، در دسترس مسلمانان قرار گرفت. مسلمانان نیز پرورش یافته ی دینی بودند که از یک طرف عالی ترین معارف توحیدی و عمیق ترین دیدگاه ها رادر خصوص جهان هستی تعلیم می داد و از طرف دیگر راه را برای تحصیل علم و حکمت هموار کرده بود.

9- فلسفه ی اسلامی چگونه تاسیس شد؟

از طریق آثار ترجمه شده با حکمای یونان هم سخن شده و آرای آن ها را نقد کردند و نظام فلسفه نوینی را سامان دادند. نظام فلسفی ضمن برخورداری از آرای افلاطون و به خصوص ارسطو ، اندیشه های جدیدی را نیز در بر داشت ، بدین ترتیب فلسفه ی اسلامی تاسیس شد.

10- فلسفه اسلامی در آغاز چه نامیده شد؟ چرا؟

فلسفه مشاء ← به جهت غلبه ی گرایش ارسطویی آن.

11- متفکران مسیحی در قرن هایی مختلف تحت های تاثیر چه کسانی قرار گرفتند؟

به تدریج از قرن دوازدهم آثار ابوعلی سینا، ابن رشد به زبان عربی ترجمه شد و آلبرت کبیر، توماس آکوئینی و نا مداران دیگری بودند که برخی به شدت تحت تاثیر قرار گرفتند.

12- متفکران مسیحی از چه زمانی تحت تاثیر فلاسفه ی اسلامی قرار گرفتند؟

متفکران مسیحی طی قرن هایی متمادی تنها تا حدودی با افکار افلاطون و نوافلاطونیان آشنایی داشتند اما این آشنایی از قرن دوازدهم به بعد با ترجمه آثار دانشمندان مسلمان شدت گرفت .

13- ترجمه ی آثار فلاسفه ی اسلامی به زبان لاتین چه تاثیری در تفکر مغرب زمین داشت ؟

آنان از طریق آثار فلاسفه اسلامی علاوه بر کسب شناخت گسترده تر از اندیشه هایی ارسطو با ابتکارات فیلسوفان اسلامی که در راه سازگار کردن اعتقادات دینی با استدلال های عقلی گام های بلندی برداشته بودند.

14- اندیشه ی فیلسوفان مسلمان چگونه در رشد و با لندگی فلسفه ی مغرب زمین موثر واقع شد؟

با ترجمه آثار علمی و فلسفی دانشمندان مسلمان به زبان لاتین

15- چه عاملی سبب شد که از قرن سیزدهم به بعد عنصری به نام عقل بر فرهنگ مسیحی تاثیر گذارد؟

از قرن 13 به بعد با ترجمه آثار فلاسفه اسلامی غربیان با اعتقادات دینی همراه با استدلال عقلی آشنا شدند و عنصر درخشان عقل که در فلسفه ی اسلامی جایگاهی خاص داشت بر فرهنگ مسیحی تاثیر آشکار به جا نهاد.

16- ابن سینا و ابن رشد چه تاثیری در تفکر مغرب زمین داشتند؟

تاثیر عقلانیت ابن سینا و ابن رشد در فرهنگ غرب به حدی است که مورخان فلسفه اصالت عقل اروپاییان را در عصر جدید تا حد زیادی متأثر از فلسفه ی اسلامی می دانند.

17- متفکران معروف دانشگاه پاریس و دانشگاه آکسفورد را نام برده و بنویسید تحت تاثیر چه کسانی قرار گرفته بودند؟

دانشگاه پاریس: آلبرت کیبر، توماس آکوئینی، تحت تاثیر ابن سینا

دانشگاه آکسفورد: راجر بیکن، بیکن از نظر فلسفی تحت تاثیر ابن سینا و از نظر علمی تحت تاثیر ابن هیثم فیزیک دان بزرگ اسلامی قرار داشت.

18- به نظر مورخین فلسفه، اصالت عقل اروپاییان در عصر جدید متأثر از کدام فلسفه است؟

اصالت عقل اروپاییان تا حد زیادی تحت تاثیر فلسفه ی اسلامی است.

19- نام بزرگترین دایره المعارف فارسی چیست؟

دره التاج، از شاگردان خواجه نصیرالدین طوسی و قطب الدین شیرازی است، در قرن هفتم.

20- کتاب ( محاکمات ) از کیست و موضوع آن چیست؟

قطب الدین رازی

(ارزیابی شرح های خواجه نصیر و فخر رازی بر اشارات)

\*درس سوم\*

1- الف: اصل واقعیت مستقل از ذهن را توضیح دهید؟

اصل واقعیت مستقل از ذهن: در گذشته بسیاری از سوفسطائیان بر این اعتقاد بودند که در عالم خارج از ذهن هیچ واقعیتی وجود ندارد و انسان خیال می کند در عالم خارج از ذهنش واقعیت ها وجود دارند. بنابراین فیلسوفان در ابتدای مباحث مربوط به وجود موظف بودند واقعیت ها را مستقل از ذهن آدمی ثابت کنند تا بتوانند وجود آنها را بررسی کنند.

ب: نخستین و مهم ترین اصلی که می تواند مبداء تحقیق فلسفی قرار گیرد چیست، آن را توضیح دهید؟

اصل واقعیت مستقل از ادراک آدمی است. این اصل یقینی که ذهن بشر از قبول آن ابایی ندارد، مرز جدایی فلسفه از سفسطه است، با این تفاوت که سوفسطایی نیز در عمق ذهن و ادراک خویش بر این اصل معترف است و تنها در مقام بحث یا تاملات سطحی آن را انکار می کند.

2- مغایرت وجود و ماهیت را با مثال توضیح دهید؟

انسان هر واقعیتی را تصور کند متوجه می شود که برای آن واقعیت دو مفهوم قابل بررسی است که مفهوم «وجود» و مفهوم «ماهیت»

مثلاً: مفهوم ستاره که وجود بر آن حمل می شود.

ستاره وجود دارد. ستاره: موضوع وجود: محمول دارد: نسبت حکمیه

اگر تمام واقعیت های جهان موضوع چنین قضیه ای قرار گیرند می توان وجود را به عنوان محمول به آنها حمل کنیم ولی حقیقت آن است که به کلیه مفاهیم جهان، وجود و ماهیت اطلاق می شود اما مفهوم وجود در عالم غیر از مفهوم ماهیت است ولی در عالم خارج در اشیاء مختلف با هم یکی می شوند.

3- ماهیت را تعریف کنید؟

ماهیت هر شیء عبارت است از چیستی آن شیء.

4- یک دلیل در اثبات مغایرت وجود و ماهیت بنویسید و آن را با یک مثال توضیح دهید؟

دلیل: مفهوم وجود غیر از مفهوم ماهیت است چون اگر ماهیت و وجود در واقعیت های جهان یکی بود با اثبات یا تصور ماهیت یک چیز وجودش ثابت می شد، در صورتی که در بسیاری از موارد چنین نیست. مثلاً "ققنوس یا هیولا یا دیو، هرکسی در ذهن خود ماهیتی دقیق برای آنها تصور می کند ولی حقیقت این است که با تصور ماهیت یک شیء وجود آن ثابت نمی شود. این بحث در فلسفه با عنوان مغایرت وجود با ماهیت یا زیادت وجود بر ماهیت در ذهن، یکی از اصول حکماست.

5- الف: مواد قضایا (وجوب، امکان و امتناع) را با مثال بنویسید؟

در هر قضیه که محمولی به موضوع نسبت داده می شود بین موضوع و محمول سه گونه رابطه برقرار است:

1- یا نسبت دادن محمول به موضوع واجب است که رابطه این موضوع و محمول را وجوبی می نامند.

2- و یا نسبت دادن محمول به موضوع به نحو مثبت و هم منفی قابل تصور است که رابطه را امکانی می خوانند.

3- و یا نسبت دادن محمول به موضوع محال است که این رابطه را امتناعی می نامند.

مثال:

مجموع زوایای مثلث 180 درجه است. ← رابطه ی وجوبی

موضوع محمول

در یک شکل هندسی کثیرالضلاع 10 زاویه ی قائمه وجود دارد. ← رابطه ی امکانی

موضوع محمول

مجموع زوایای یک مثلث 270 درجه است. ← رابطه ی امتناعی

موضوع محمول

ب: رابطه امتناعی را از نظر منطقیین با مثال توضیح دهید؟

1 - عقل همواره از قبول این رابطه امتناع می ورزد. - امکان ندارد بین موضوع و محمول رابطه برقرار شود

6- مواد ثلاث (وجوب، امکان و امتناع) را از نظر حکما با مثال توضیح دید؟

اگر محمول قضیه ای وجود قرار گیرد برای نوشتن قضیه آن سه حالت قابل تصور است:

1- رابطه بین موضوع و محمول وجوبی است و موضوع ضرورتاً وجود دارد. مانند خداوند وجود دارد. ← واجب الوجود مانند ذات خدا

2- رابطه ی بین موضوع و محمول امکانی است و موضوع هم می تواند وجود داشته باشد و هم نباشد. ← ممکن الوجود مانند همه موجودات غیر از ذات خدا

3- رابطه ی بین موضوع و محمول امتناعی است و وجود موضوع محال است. مانند شریک

خدا وجود دارد. ← ممتنع الوجود مانند شریک خدا

\*درس چهارم\*

1- رابطه بعد از وجود را با مثال توضیح دهید؟

رابطه بعد از وجود: این رابطه بعد از وجود اجزا یا طرفین رابطه فرع بر وجوب رابطه ایجاد می شود و همیشه رابطه فرع بر وجود رابطه و قائم به دو طرف رابطه است. مانند: قانون نظم، که تا اجزاء مجموعه نباشد رابطه نظم ایجاد نمی شود. هم چنین رابطه متعادل، اتکاء، جاذبه و...

2- الف: رابطه در خود وجود یا حین وجود را توضیح دهید؟

این رابطه درست در حین بوجود آمدن دو طرف رابطه بین آنها برقرار می شود مانند: قانون علیت که درست در همان لحظه که علت به معلول وجود می بخشد این قانون بین آنها حاکم است.

ب: علیت چگونه رابطه ای است؟ توضیح دهید؟

1- کهن ترین مسئله فلسفه است.

2- مهم ترین عاملی که انسان را در تفکر می اندازد.

3- تمام هستی معلول با همین رابطه و قانون تحقق می یابد.

4- در این رابطه وجود داد و ستد می شود.

3- علت را تعریف کنید؟ «علت آن چیزی است که معلول در هستی خود به آن نیاز مند است»



4- نظریه مقابل علیت چه نام دارد و چرا از نظر عقل قابل قبول نیست؟

صدفه یا تصادف درست نقطه مقابل اصل علیت است یعنی:

1- بوجود آمدن معلول بدون علت خاص. 2- هیچ نظم و قاعده ای در جهان نیست.

3- هیچ شرطی در عالم نیست یعنی هیچ چیز شرط چیز دیگر نیست. 4- قبول صدفه یعنی خط بطلان بر تمامی علوم و دانش ها.

5- قبول صدفه یعنی شکاکیت و سوفسطایی گری است.

5- ملاک نیازمندی معلول به علت به چه معنی است؟

چون در فلسفه بحث از کل جهان هستی است در این مبحث هم وقتی از معلول نام برده می شود منظور کل جهان هستی است. (تمام جهان هستی اعم از ماده و غیر ماده به عنوان یک مجموعه واحد). و سوال این است که جهان هستی به عنوان یک معلول به چه دلیل به علت نیازمند است؟

6- حادث و قدیم در عرف و لغت و اصطلاح به چه معنی است؟

حادث در لغت و عرف به معنی «نو» و قدیم به معنی «کهنه» است. ولی معنای حادث و قدیم در اصطلاح فلسفه و کلام با معنای اصلی آنها تفاوت دارد. مقصود فلاسفه از حادث بودن و نو بودن یک چیزی آن است که آن چیز پیش از آنکه آن چیز موجود باشد نابود بوده است یعنی اول نبوده و بعد موجود شده است. مقصود ایشان از قدیم بودن هم این است که آن چیز همیشه بوده و هیچ زمانی نبوده است که موجود نباشد.

7- فلاسفه حادث و قدیم را چگونه تعریف می کنند؟

حادث: به موجودی می گویند که در سابقه او عدم و نیستی پیدا شود.

قدیم: موجودی که همیشه بوده باشد و هیچ گاه مسبوق عدم نباشد. (یعنی در سابقه او نیستی نباشد)

8- الف: ملاک نیازمندی معلول به علت از نظر متکلمین چیست؟ توضیح دهید؟

از نظر متکلمین جهان حادث است و همین حادث بودن ملاک نیازمندی آن است (نظریه ی حدوث)

ب: متکلمین چه چیز را قدیم و چه چیز را حادث می دانند؟ استدلال آنها را در این مورد بنویسید؟

متکلمان اسلامی معتقدند که فقط خداوند قدیم است و هر چه غیر از خداست (که «جهان» یا «ماسوی» نامیده می شود) اعم از مجرد و مادی همه حادث اند.

9- ملاک نیاز مندی معلول به علت از نظر فلاسفه چیست توضیح دهید؟

ملاک نیازمندی معلول به علت: قول فلاسفه ← جهان قدیم است و ملاک نیازمندی آن به علت در ذات آن نهفته است و جهان ذاتا ممکن الوجود است و نسبت به وجود و عدم مساوی است و باید علتی باشد تا آنرا از حالت عدم خارج بوجود بیاورد. (امکان ذاتی)

ب: نظریه امکان ذاتی را توضیح دهید؟

فلاسفه در باب ملاک نیاز مندی جهان به علت هم معتقدند برای اثبات معلولیت عالم لازم نیست به گذشته جهان رجوع کنیم بینیم زمانی بوده که نبوده است جهان هستی صرف نظر از گذشته و حال و آینده اش ذاتا ممکن الوجود است و شیء ممکن الوجود ذاتا به علت نیازمند است (چه حادث باشد چه قدیم) این نظریه به امکان ذاتی معروف است.

10- علت تام و علت ناقصه را با مثال توضیح دهید؟

الف: علت تام:

1- به مجموعه ی تمام علت‌های ناقصه ای که گرد هم جمع می آیند تا یک معلول را به وجود آورند می گویند.

2- هم شرط لازم برای تحقق معلول است.

3- علت وجود دهنده وهستی بخش معلول است.

ب: علت ناقصه:

1- به هر یک از علت های مختلف که در به وجود آمدن یک معلول دخالت دارد علت ناقصه می گویند.

2- فقط شرط لازم برای تحقق معلول است و شرط کافی نیست.

3- به وجود آمدن معلول به نحوی آن وابسته است ولی به تنهایی برای تحقق معلول کافی نیست.

11- الف: اصل وجوب علی و معلولی را توضیح دهید؟

اصل ضرورت علی و معلولی: علت تام علاوه بر اینکه به معلول وجود می بخشد ضرورت بخش آن نیز هست.

ب: قاعده ی «الشیء مالم یجد لم یوجد» را در نظر حکما توضیح دهید؟

حکما میگویند «الشیء مالم یجب لم یوجد» یعنی هر چیزی تا وجودش به مرحله وجوب و ضرورت نرسد موجود نمی گردد پس هر چیزی که موجود شده و می شود به حکم ضرورت و وجوب در یک نظام قطعی و تخلف ناپذیر موجود می گردد.

ج: از نظر حکما چرا وجوب مقدم بر وجود است؟

در یک تحلیل عقلی ¶ ¶ ¶ ¶ «وجوب و ضرورت» مقدم بر وجود است و نه تنها علت به معلول وجود می بخشد بلکه مقدم بر ایجاد معلول ، بدان وجوب عطا می کند. مطابق این اصل نظام عالم هستی نظامی وجوبی و قطعی است.

12- سنخیت علت و معلول را با مثال توضیح دهید؟

هر معلولی تنها از علتی فراهم می آید که از سنخ و خانواده خودش باشد

13- در پرتو اصل سنخیت جهان در اندیشه ما چگونه است؟

در پرتو این اصل نظام جهان انتظام می یابد و در اندیشه ی ما به صورت دستگاهی منظم و مرتب در می آید که هر جزء آن

جایگاه به خصوصی دارد و هیچ جزئی ممکن نیست در جای جزء دیگر قرار گیرد.

14- چرا اصل سنخیت لازمه اصل علیت است؟

چه فرض کنیم معلول بدون علیت بوجود آید و چه فرض کنیم معلول بدون سنخیت با معلول خودش از هر علتی فراهم آید در هر دو صورت در دام صدفه گرفتار خواهیم شد

در حقیقت همان گونه که وجوب و معلولی از لوازم اصل علیت و انکار آن هم چون انکار اصل علیت است قبول سنخیت علت و معلول نیز لازمه ی قبول اصل علیت است و هر گاه بخواهیم به درستی معنای اصل علیت را دریابیم باید به اصل سنخیت علت و معلول پی ببریم.

15- چه کسانی در ابطال تسلسل علل نا متناهی برهان اقامه کرده اند و بنویسید این برهان در

چه مبحثی کاربرد دارد؟

حکایی نظیر فارابی ، ابن سینا ، خواجه نصیر الدین طوسی ، میرداماد و... هر یک برهانی بر بطلان تسلسل علل اقامه کرده اند. این براهین در مبحث خداشناسی فلسفی کاربرد زیادی دارند و گاهی خود برای اثبات وجود خدا به کار می روند.

16- در برهان فارابی بر امتناع تسلسل علل از چه اصلی استفاده شده و این اصل بیانگر چیست؟

در این برهان از اصل «تقدم علت بر معلول» استفاده شده است این اصل بیان می کند که علت بر معلول خود تقدم وجود دارد و معلول در مرحله و مرتبه بعد از علت قرار گرفته است یعنی وجود معلول مشروط به وجود علت است در صورتی که وجود علت مشروط به وجود معلول نیست.

17- برهان فارابی بر امتناع تسلسل علل را با مثال توضیح دهید؟

اگر سلسله ای نا متناهی از علت ها و معلول ها را در نظر آوریم چون همه افراد این سلسله خود معلول علت بالاتر از خود هستند در نتیجه وجود هر کدام مشروط به وجود به دیگری است که وجود آن دیگری هم به نوبه ی خود مشروط به دیگری است بدین ترتیب این سلسله علت های مشروط هرگز تحقق پیدا نخواهند کرد ، حال آن اگر سلسله بوجود آمده باشد ، عقل گواهی می دهد که یک علت نا مشروط ( علت العلل) به عنوان سر سلسله بوده است . مثال: یک گروه نظامی که قصد حمله به دشمن را دارد( مراجعه شود به کتاب صفحه 36 پاراگراف اول ) .

18- برهان وجوب و امکان (برهان سینوی) را بنویسید؟

به هر موجودی در جهان هستی که اشاره کنیم یا ممکن الوجود است یا واجب الوجود اگر واجب الوجود باشد مدعی ما برای داشتن یک واجب الوجود در جهان ثابت است و اگر ممکن الوجود باشد نیازمند یک علت است و اگر به سراغ علت آن برویم آن علت هم واجب الوجود یا ممکن الوجود ، در این صورت این سلسله ممکن الوجود ها لا محاله به یک واجب الوجود ختم شود و گرنه هرگز تحقق پیدا نخواهد کرد.

19- چرا ابن سینا برهان خود را بهترین برهان در اثبات وجود خدا می داند؟

زیرا در این برهان تنها یک محاسبه ی عقلی ما را به نتیجه می رساند.

20- ابن سینا در برهان سینوی چهار اصل کلی را مسلم فرض نموده ، آنها را نام ببرید؟

اصولی که برهان سینوی بر آنها استوار است:

1- در جهان موجودات وجود دارند.

2- موجود یا ممکن الوجود است با واجب الوجود.

3- ممکن تا زمانی که وجوب پیدا نکند بوجود نمی آید.

4- تسلسل علل نا متناهی محال است.

21- از سه «اصل علیت» «اصل ضرورت علی و معلولی» «اصل سنخیت» به ترتیب چه نتایجی استخراج می شود؟

1- ارتباط و پیوستگی موجودات جهان ← اصل علیت.

2- تخلف نا پذیری نظام هستی ← ضرورت علی و معلول.

3- نظام معین هستی ← اصل سنخیت.

22- فلسفه چگونه می تواند مبنای شناخت تجربی قرار گیرد؟ با مثال توضیح دهید؟

کار فلسفه در ارتباط با علوم تجربی:

فلسفه با تبیین قانون علیت سه ثمره برای علوم تجربی داشته است:

1- اثبات رشته های اتصال میان پدیده های جهان.

2- فراهم آوردن مقدمات برای شناخت یقینی قوانین.

3- تحکیم پایه های آزمایش های تجربی به عنوان روش تحقیق.

و علوم تجربی با این سه ثمره می تواند به شناخت دست پیدا کند

23- کلیت و ضرورت قوانین علمی را باید در کجا جست و جو کرد؟

کلیت و ضرورت در قوانین علوم تجربی به وسیله اصول اثبات شده بوسیله فلسفه است (علیت و ...) فلسفه درباره اصول کلی علوم تجربی می کند و پس از کسب اطمینان از صحت آنها، آنها را در اختیار دانشمندان علوم تجربی قرار می دهد تا آنها بتوانند با استفاده از آنها به تحقیق علمی بپردازند.

24- نتیجه ی یک تجربه علمی در چه صورتی می تواند تعمیم یافته به صورت یک قانون علمی در آید؟ (جواز تعمیم در علوم تجربی چیست؟)

علوم تجربی وابسته به آزمایش و در آزمایشات علوم مختلف تجربی نتیجه همان آزمایش برای همان مورد قابل قبول است و به موارد مشابه سرایت نمی کند حتی اگر تعداد آزمایشات زیاد می شود باز هم نتیجه برای همان موارد محدود خواهد بود ولی در قوانین تجربی ما با یک کلیت سر و کار داریم و قوانین علمی همیشه بیانگر قانون کلی و ضروری است و نتیجه آزمایش به موارد آزمایش نشده تعمیم می شود.

جواز تعمیم موارد جزئی آزمایش شده به کل افراد آن مجموعه بواسطه اصول اثبات شده در فلسفه است این اصول عبارتند: اصل علیت، یکنواخت عمل طبیعت و ...

25-مراتب هستی در نظام هستی را از نظر حکمای مشاء توضیح دهید؟

فلسفه مشاء ثابت می کند بین خداوند و جهان ماده فرشتگان بی شماری هستند ، در ده مرتبه که به عقول ده گانه مشهور هستند (عقول عشره) این عقول هم واسطه فیض آفرینش از خداوند جهان ماده هستند و هم واسطه تکامل و رسیدن انسان به خداوند هستند در حقیقت خداوند هم علت العلل همه موجودات است و هم غایت و هدف تکامل همه موجودات و این دو کار بواسطه عقول عشره صورت می پذیرد.

\*درس پنجم\*

1-از نظر فارابی هدف اصلی از اجتماع و گرد آمدن مردم در یک سرزمین چیست؟(رابطه سعادت و مدینه)

رسانیدن افراد جامعه به سعادت است

2-مدینه فاضله را از نظر فارابی تعریف کنید؟

بهترین مدینه ها ، مدینه ای که مردم آن به اموری مشغول و به فضایی آراسته اند که در نهایت آن مدینه را به سوی سعادت رهنمون می سازد فارابی چنین مدینه ای را مدینه فاضله می نامد.

3-فارابی چگونه مدینه فاضله را به بدن انسان سالم تشبیه می کند؟توضیح دهید؟

بدنی که سالم و استوار است و همه ی اعضای آن برای حفظ حیات و تندرستی و رشد آدمی وظایف خود را به نحو احسن انجام می دهند.

4-الف.دیدگاه فارابی درباره ی مدینه ی فاضله چه رابطه ای با مبانی ما بعد الطبیعه او دارد؟



دیدگاه فارابی درباره مدینه فاضله در مبانی مابعدالطبیعه او الهام گرفته است.

5- از نظر فارابی زعیم مدینه فاضله باید دارای چه ویژگی‌های باشد و چه کسانی می‌توانند این ریاست را به عهده بگیرند؟

1- باید به اعلا درجه سعادت رسیده باشد (اتصال به عقل فعال یا جبرئیل)

2- باید به عالی‌ترین درجه تعقل و تفکر در احکام دینی رسیده باشد تا بتواند مصالح مردم و شرایع و احکام را دریافت و به مردم منتقل کند.

3- باید تمام امکانات یک رهبر کامل را داشته باشد (دارای روحی بلند و سرشتی عالی باشد)

به عقیده فارابی رئیس مدینه فاضله باید پیامبر خدا باشد.

6- از نظر فارابی حقیقت سیاست چیست؟

سیاست فعل و تدبیر رئیس مدینه فاضله است بر اساس تعالیم دین که در نهایت تمام افراد مدینه را به سعادت می‌رساند.

7- سیاست از نظر فارابی چه تفاوتی با سیاست به معنای متداول آن دارد؟

سیاست از نظر فارابی با سعادت همراه است (سعادت رکن جدایی ناپذیر آن است).

8- فارابی مدینه جاهله را چگونه توصیف می‌کند؟

مردمش سعادت را نشناخته و به سوی آن نمی‌روند و تمام خیرات را در سلامت جسم و بدست آوردن لذت‌ها می‌دانند.

9- چرا فارابی را به معلم ثانی لقب داده اند؟

او فلسفه یونان را با تعالیم اسلام در هم آمیخت و فلسفه جدیدی را به نام فلسفه اسلامی را بنیان نهاد (چون او موسس فلسفه اسلامی یا فلسفه نبوی است).

\*درس ششم\*

1- ابن سینا طبیعت را به چند معنی به کار می برد؟

طبیعت مرتبه ای از هستی است که رو به سوی مقصدی خاص در حرکت است.

2- از نظر ابن سینا عالم طبیعت چیست؟ توضیح دهید؟

طبیعت مرتبه ای از عالم هستی است که رو به سوی مقصدی خاص در حرکت است.

3- به نظر ابن سینا لطف و عنایت باری تعالی چیست؟ توضیح دهید؟

عنایت احاطه و شمول علم خداوند است که باعث شده است تا همه ی موجودات مطابق نیکو ترین نظام باشند.

4- مقصود ابن سینا از طبیعت شیء چیست؟ توضیح دهید؟

مبدأ درونی همه اشیا که سبب حرکت و سکون در آنها می شود طبیعت آن اشیا گفته می شود.

5- ابن سینا نقض و کمال طبیعت را چگونه بیان می کند؟

تمام دگرگونی های طبیعت اعم از فصول سال و حوادث طبیعی حتی آنچه به ظاهر شر و

بدی گفته می شود همگی بر آن حفظ اعتدال در طبیعت لازم است.

6-از نظر ابن سینا علم واقعی چیست؟ چگونه حاصل می شود و چه تاثیری در دانشمندان دارد؟

علم از دیدگاه ابن سینا به دو نوع تقسیم می شود :

الف-علم ظاهری:

1-از تجربه حاصل می شود.

2-تجربه و استقراء ابزار علم ظاهری است.

ب-علم حقیقی (واقعی) :

1-علم به دحقیقت اشیاء در پرتو ذات حق حاصل می شود.

2-رابطه وجودی موجودات با وجود مطلق یعنی خدا را علم حقیقی می گویند.

3-این علم سبب خشوع و خشیت در نهاد دانشمند می شود.

7-از نظر ابن سینا دانشمند حقیقی چه کسی است؟

عالم حقیقی کسی است که در برابر هویت اسرار آمیز جهان در حیرت و شگفتی است.

8-جهان شناسی از نظر ابن سینا چیست ؟ توضیح دهید.



در حکمت مشرقی ابن سینا سعی دارد استدلال‌های مشابهی را با ذوق عرفانی در آمیزد و از سطح فلسفه مشاء فراتر رود.

15- ابن سینا چه کتاب‌هایی را به زبان عرفانی نوشته است؟

حی بن یقظان- رساله الطیر- سلامان و ابسال

16- خلاصه حکایت «حی بن یقظان» را بنویسید؟

1- داستان در این رساله شروع می‌شود.

2- عارف سفر معنوی خویش را آغاز می‌کند.

3- پیر یا مرشد (حی بن یقظان) بر عارف ظاهر می‌شود و او را به سیر و سلوک دعوت می‌کند.

17- خلاصه حکایت «رساله الطیر» را بنویسید؟

1- عارف دعوت مرشد خود را می‌پذیرد.

2- عارف در این مرحله از خواب غفلت بیدار می‌شود.

3- سیر درونی نفس در این رساله به پرواز پرنده تشبیه شده است.

18- رساله «سلامان و ابسال» کدام مرحله سفر عارف را بیان می‌کند؟

1- سالک تمام مراحل سیر و سلوک را تمام می‌کند و پا به اقلیم نور و حیات می‌گذارد.

2- عارف به عنوان صورت عالم صغیر نمونه کامل عالم کبیر می شود و واسطه ی فیض الهی به دیگر مخلوقات می شود.

19- از نظر ابن سینا عارفی که تمام مراحل را طی کرده به چه چیز هایی دست می یابد؟

عارف به عنوان صورت عالم صغیر نمونه کامل عالم کبیر می شود و واسطه ی فیض الهی به دیگر مخلوقات می شود.

20- حکمت مشرقی ابن سینا چه تاثیری در فلسفه اسلامی و مغرب زمین گذاشت؟

الف- تمام فیلسوفان به نحوی وام دار نظریات ابن سینا هستند.

ب- از قرن 12 کتاب های ابن سینا در مراکز غرب به لاتین ترجمه شد.

ج- او بر طب و فلسفه غرب بسیار تاثیر گذار بود:

1- مراکز علمی سالرنو و مونتیلیه از طب او

2- مراکز علمی پاریس و آکسفورد از فلسفه او تاثیر گرفت.

\*درس هفتم\*

1- مکتب کلامی اشعری چیست و هدف او چه بود؟

این مکتب کلامی نهضتی ضد عقلی بود که هدف خود را زدودن عناصر غیر اسلامی از ساحت اسلام و دفاع از تعالیم دین می دانست.

2- مکتب کلامی اشعری توسط چه کسی به وجود آمد؟

ابوالحسن اشعری

3-اعتقاد پیروان مکتب اشعری چه بود؟

عناصر غیر اسلامی و میراث یونانیان به حوضه تفکر اسلامی راه یافته است.

4-مکتب اشعری در مقابل چه مکتبی بوجود آمد؟

مکتب معتزلی

5-معتزله چه گروهی بودند و اعتقاد آنها چه بود؟ و چه چیزهایی را انکار می کردند؟

1-بر اصالت عقل اعتقاد کامل داشتند.

2-هر چه را در قرآن و سنت را بر خلاف عقل خود می دیدند یا با عقل آنها ناسازگار بود انکار می کردند.

3-آنها فرشتگان کرام الکاتبین ، میزان و صراط و معراج پیامبر و کرامات اولیا را انکار می کردند.

4-هر چه از طریق وحی به آنها رسیده بود به محک عقل می سنجیدند.

6-غزالی چه کتاب هایی را در زمینه فلسفی نوشت و موضوع هر کدام چیست؟

کتاب مقاصد الفلاسفه ← در تلخیص آرا و مشائون نوشت.

کتاب تهافت الفلاسفه ← (تناقض گویی فیلسوفان) را در حمله به نظریات فارابی و ابن سینا

نوشت.

7-غزالی چه تاثیری در فلسفه مشاء گذاشت؟

مکتب مشاء را مورد حمله قرار داد و آن را تقریباً از رونق انداخت.

8-کتاب تهافت التهاافت از کیست و موضوع آن چیست؟

بعد از امام محمد غزالی ابن رشد اندلسی کتاب تهافت التهاافت را نوشت و سعی کرد دوباره از فلسفه دفاع کند اما فلسفه مشاء در مشرق زمین از رونق افتاد.

9-چه کسی انتقاد از فلسفه را وظیفه شرعی خود می دانست و در این زمینه چه کتابی نوشت؟

فخر رازی انتقاد از فلسفه را وظیفه شرعی خود می دانست ، شرحی بر اشارت ابن سینا نوشت ولی هدف او نقد آرا ابن سینا بود

10-ایرادات غزالی و فخر رازی چه تاثیری در فلسفه اسلامی گذاشت و زمینه ساز چه فلسفه ای گردید؟

فلسفه مشاء را از رونق انداخت و زمینه ساز فلسفه اشراق شد.

**\*درس هشتم\***

1-روش اشراقی چیست و چه تفاوتی با روش مشاء و روش عرفان دارد؟

نوعی بحث از وجود داشت که بحث از وجود است که استدلال عقلی را به سیر سلوک عرفانی همراه می سازد و تفاوت آن با روش مشاء این است که روش مشایی از عقل نظری فراتر نمی رود و عرفان بر استدلال و عقل بها نمی دهد ولی فلسفه اشراق عقل و ذوق عرفانی



را در هم آمیخته است.

2- سهروردی کسانی را که در جستجوی معرفت هستند (مدراج دانایی) به چند دسته تقسیم میکند؟ توضیح دهید؟

الف: عامه مردم: کسانی که تازه شوق معرفت را یافته اند.

ب: فلاسفه مشا:

1- کسانی که به معرفت ظاهری رسیده اند.

2- از ذوق و عرفان بی بهره اند.

3- فارابی وابن سینا از این دسته بوده اند.

ج: عرفا:

1- به استدلال و صور استدلالی توجهی ندارند مانند بوسهل، حلاج و...

2- فقط با تزکیه نفس درون خود را به نور معرفت روشنی بخشیده اند.

د: حکیمان متاله:

1- هم به صوربرهانی، وهم به اشراق و عرفان رسیده اند.

2- آنان جانشین خدا هستند و بی واسطه با خدا ارتباط دارند و ریاست امت با آنهاست.



2- بخشی از فلسفه اشراق که بر مبنای حقیقت نور استوار است از حکمت زرتشت گرفته شده است .

8- حقیقت واحد را از نظر سهروردی توضیح دهید ؟

از دیدگاه سهروردی حقیقت یکی بیش تر نیست و آن هم منسوب به ذات حق است حقیقت مانند خورشید است که هر چه شعاع هایش بیش تر می شود خودش بیش تر از یکی نمی شود ( خورشید واحدی است که به جهت کثرت مظاهرش تکثر نمی یابد)

9- معنای اشراق را نوشته و بنویسید سهروردی کدام منحنی را در نظر داشته است ؟

یکی به معنای نورانیت روشنایی . یکی به معنای محل تابیدن نور ( جغرافیای مشرق ) و سهروردی در فلسفه خویش هر دو معنا را مد نظر داشته است .

10- مقصود سهروردی از مشرق ، مغرب کامل و مغرب وسطی چیست توضیح دهید ؟

مشرق ← محل تابیدن نور

مغرب کامل ← عالم دنیای مادی که تاریکی محض است .

مغرب وسطی ← عالم افلاک و ستارگان مرئی که در آن نور و ظلمت به هم آمیخته است .

11- آفرینش و اشراق را از نظر سهروردی توضیح دهید ؟

ذات نخستین نور مطلق یعنی خدا پیوسته نور افشانی ( اشراق ) می کند و بدین ترتیب متجلی می شود و همه چیز ما را به وجود می آورد و با اشعه ی خود به آن ها حیات می بخشد .

12- قاعده امکان اشرف را با مثال توضیح دهید و بنویسید ؟ از این قاعده چه استفاده ای

می شود ؟

سهروردی با مشاهده ی عالم ماده بر اساس قائده ی امکان اشرف عالم های بعد از این دنیا (عالم ملکوت - جبروت) را ثابت کرد چون این عوالم برتر ( اشرف) از این دنیا هستند و تا آن ها وجود پیدا نکنند این دنیا موجود نخواهد شد ، حال که این دنیا (عالم غیر اشرف) موجود است ثابت می شود حتما قبل از این دنیا ماده عالم های دیگر ( غیر مادی ) قبلا وجود یافته اند .

13- انوار قاهر را از نظر سهروردی توضیح دهید ؟

1- مجموعه فرشتگان که عالم هستی را پر کرده اند و شیخ هر کدام را نور قاهر می نامند .

2- این انوار نسبت به هم جنبه ی علیت بخشی دارند .

3- رابطه آن ها رابطه ی طولی است ( در طول یک دیگرند ) .

4 - واسطه فیض خداوند به عالم پایین تر هستند .

14. ارباب انواع را از نظر سهرودی توضیح دهید ؟

1. تعداد بی شماری از نوار ها ی قاهر که در یک طبقه از عوالم فرشتگان قرار دارند .

2. این انوار هم رتبه و هم درجه اند .

3. رشته عرضی از انوار هستند که نسبت به هم جنبه علیت بخشی ندارند .

4. تدبیر امور عالم به دست آن هاست (ارباب انواع همان مثل افلاطونی هستند .)

15. انواع مدبر ( انواع اسپهبدیه ) را از نظر سهروردی توضیح دهید .

عالم ارباب انواع که رشته متوسط از فرشتگان هستند و طبیعت با وساطت آن ها تدبیر می شود و انوار مدبر نام دارند .

16. فلسفه مشاء و فلسفه اشراق عالم مجردات را چگونه توصیف می کنند ؟

فلسفه ی مشاء عالم مجردات به عالم عقول تدبیر می کرد به صورت طولی در عالم حضور داشتند ولی فلسفه اشراق تمام عالم مجردات به نور تعبیر می کند .

17- سهروردی با اثبات عالم مثال چه تاثیری در فلسفه اسلامی گذاشت ؟

سهروردی با اثبات عالم مثال بسیاری از مشکلات فلسفه را حل کرد مانند تجرد بعد خیال ، اتحاد عالم و معلوم، معاد جسمانی

18- ارتباط انوار ( موجودات ) را از نظر سهروردی توضیح داده و بنویسید بر این اساس مخلوقات چگونه پدید می آیند ؟

همه مخلوقات در پرتو ذات حق پدید می آیند و حب نور الانوار به ذات نورانی خویش به تجلیات این نور نیز گسترش می یابد و شعاع درخشان نور الانوار همه مخلوقات را پدید می آورد .

19- چرا علم ما به موجودات نمی تواند غیر مستقیم باشد ؟

تا صورتی از شی نزد ذهن حاصل نشود ، ما نمی توانیم به آن علم پیدا کنیم .

20- علم حصولی و علم حضوری را تعریف کرده و رابطه ی آن دو را بنویسید ؟

علم حصولی : علم ما به اشیا بیرون که بواسطه صورت های ذهنی آن ها در ما ایجاد می

شود .

علم حضوری : علم به صورت های ذهنی خودمان و حالات روحی و روانی و احساسات خودمان که بی واسطه نزد ما حاضر است علم حضوری است .

21- معلوم بالذات و معلوم بالعرض را با ذکر مثال توضیح دهید ؟

معلوم بالذات : آنچه به طور مستقیم برای ما آشکار است و ما بی واسطه به آن ها علم داریم برای ما معلوم بالذات است یعنی ما هر وقت بخواهیم می توانیم بدون حضورشان آن ها بشناسیم . مانند : تمام صورت های ذهنی خودمان . علم ما به صورت ذهنی گل سرخ .

معلوم بالعرض : آن چه خودش نزد ما حاضر نیست و اگر بخواهیم نسبت به آن ها علم پیدا کنیم به واسطه صورت هایی است که از آن ها در ذهن ما وجود دارد پس آن ها معلوم بـ العرض هستند مانند : علم ما به خود گل سرخ در عالم بیرون .

22- علم به نفس و احوال آن را از نظر سهروردی توضیح دهید ؟

ما نسبت به نفس خودمان بدون واسطه آگاهی داریم یعنی نفس ما و تمام حالات و احساسات روحی ما برای ما معلوم بالذات و ما با علم حضوری نسبت به آن ها آگاهی داریم .

23- اشراق نفس را از نظر سهروردی توضیح دهید ؟

نفس انسان یکی از انوار مجرد است و هر شناخت و ادراکی در سایه ی نورانیت نفس حاصل می شود و همین اشراق نفس است برای خود .

24- از نظر سهروردی مشرق اصغر و اکبر چیست و سفر معنوی انسان از مشرق اصغر به مشرق اکبر چگونه است ؟

هر گاه انسان در مسیر کمال قرار گیرد نفس او همچون مشرقی می گردد ( مشرق اصغر ) و پیوسته از مشرقی به سمت مشرق بالا تر در حرکت است تا به مشرق اکبر یا نورانیت محض

و قرب نورالانوار برسد.

25- چهار اهمیت فلسفه ی اشراق را توضیح داده تاثیر هر کدام را بنویسید ؟

1- فلسفه اشراق ، فلسفه را از علوم طبیعی بخصوص علم هیئت و نجوم مستقل ساخت .

2. عالم مثال یا ملکوت را میان عالم ماده و عالم عقول ثابت کرد .

3. به علم حضوری بیش از علم حصولی توجه نشان داد .

4. روان شناسی ( علم النفس) را از علوم طبیعی جدا کرد و سیر نفس در عالم مجردات مورد توجه قرار گرفت و نفس روان انسان به عنوان یک موجود مجرد از اقسام وجود شناخته شد .

\* درس نهم \*

1. برخورد های فکری عرفا و متکلمین چه تاثیری در فلسفه اسلامی گذاشت ؟

عرفان و کلام همیشه با مخالفت های خود با فلسفه اسلامی را رونق و تحرک بخشید و افق های تازه ای را پیش روی فلاسفه گشودند.

2. روش عرفانی چه تفاوتی با روش اشراق دارد ؟

تفاوت اساسی روش عرفانی با فلسفه اشراق این است که عرفا به استدلال و برهان چندان توجهی ندارند و عارف همواره عقل را تحقیر می کنند و می خواهد با عشق و مجذوبیت به حقیقت هستی متصل شود .

3. عارف با فیلسوف چه تفاوتی دارد؟

فیلسوف می خواهد جهان را فهم کند یعنی تصویری صحیح و نسبتاً جامع از جهان در ذهن خود داشته باشد و خود جهانی شود عقلانی ولی عارف به عقل و استدلال پای بند نیست و می خواهد با عشق و مجذوبیت به هستی متصل شود .

4- چرا محی الدین غربی را مظهر و نماینده ی کامل عرفان اسلامی می دانند ؟

چون او. عرفان را به صورت یک علم مدون در آورد .

5- مظهر و نماینده کامل عرفان اسلامی کیست و ملقب به چه نامی است ؟

محی الدین عربی ملقب به شیخ اکبر

6- تشابه و تفاوت روش کلامی و روش فلسفه را بنویسید ؟

روش کلام و فلسفه هر دو بر استدلال عقلی استوارند ولی فلسفه کل جهان هستی را بررسی می کند و کلام اصول اعتقادی دین را .

7- متکلمین بر چه اساسی است و حکما کلام و فلسفه را چه نوع حکمتی می دانند؟

بر اساس حسن و قبح عقلی و حکما کلام را حکمت جدلی و فلسفه را حکمت برهانی می نامند .

8- یک نمونه از استدلالات معتزله را درباره ی ثواب آخرت بنویسید ؟

تکالیف دشوار دینی فقط و فقط برای نفع و فایده ی ما وضع شده است و نفع و فایده چیزی جز ثواب اخروی نیست . زیرا اول که اگر هیچ غرضی در این تکالیف نباشد عبث و بیهوده خواهد بود و کار عبث و بیهوده ، زشت و قبیح است . ثانیاً ممکن نیست که این تکالیف ها سود و فایده ای برای خداوند داشته باشد ، زیرا خداوند از این قبیل اغراض منزّه و پاک است . نتیجه می شود که در این تکالیف ، سود و فایده ای برای انسان نهفته است اما این سود و فایده یا در دنیا نصیب مومن می شود یا در آخرت . مشاهده می کنیم که مومن در



دنیا به سود و فایده ای نمی رسد و پاداش خود را نمی گیرد. یعنی اگر سود تکالیف در دنیا باشد مومن به آن نمی رسد و جز مشقت نصیبی ندارد اما اگر این سود در آخرت هم به مومن نرسد، پس این هم قبیح و زشت است. در نتیجه، باید این سود و فایده در آخرت نصیب مومن شود و این البته حسن است و مطلوب.

9- جریان های فکری عالم اسلام را نام ببرید؟

فلسفه مشاء - اشراق - عرفان - کلام

10- جامع چهار جریان فکری عالم اسلام چه نام دارد و بانی آن که بود؟

حکمت متعالیه و بنیان گذار آن ملاصدرا شیرازی است.

\* درس دهم \*

1- ملاصدرا فلسفه خود را چه نامید و با نبوغ خود چه روش هایی را با هم ترکیب نمود؟

حکمت متعالیه: مکتبی که برهان عقلی و شهود قلبی و وحی قرآن را با هم ترکیب کند و شیوه ای یگانه در تحقیق فلسفی به وجود آورد.

2- مشرب تحقیقی ملاصدرا چه تفاوتی با روش فیلسوفان مشایی و اشراق دارد؟

ملاصدرا نه مانند مشائیان است که عقل و برهان را به هر کشف و شهودی جهان می دهند و نه همچون اشراقیان که شهود قلبی را بر برهان عقلی مقدم میدانند ملاصدرا هر دور روش را با یک دیگر به کار می گیرد و جدایی آن ها را هرگز روا نمیداند.

3- چگونه می توان ثابت کرد که فلسفه ملاصدرا یک فلسفه التقاتی نیست؟

نبوغ و ابتکار ملاصدرا در این است که به سه طریق: برهان عقلی، شهود قلبی و وحی قرآن

را با هم ترکیب می کند شیوه یگانه در تحقیق فلسفی به وجود آورد .

4- نظر متکلمان اسلامی در مورد رابطه ی عقل و دین چیست توضیح دهید ؟

1- عقل در کنار شرع ارزش مستقل ندارد.

2- عقل در کنار شریعت است و کار آن فقط اثبات اصول اساسی دین است .

3- وظیفه ی عقل دفاع از حقانیت دین است .

5- نظر ملاصدرا در مورد رابطه ی عقل و دین چیست توضیح دهید ؟

1- عقل و دین حقیقت واحدی هستند از منشاء واحد

2- اگر عقل به درستی حرکت کند به هیچ نتیجه ای مخالف شرع می رشد .

3- عقل و دین در همه ی احکام با هم تطابق کامل دارند .

6- شیوه ابتکار ملاصدرا در مورد فلسفه و عرفان چیست ؟

نبوغ و ابتکار ملاصدرا در این است که به هر طریق برهان عقلی ، شهود قلبی و وحی قرآن را با هم ترکیب می کند و شیوه ی یگانه در تحقیق فلسفی به وجود می آورد .

7- سفر های چهار گانه عارف را توضیح دهید ؟

سفر اول ← سفر از خلق خدا ( عالم ماده ) به سمت خدا ← عارف در این سفر از عالم ماده حرکت می کند و با سیر در عوالم

سفر دوم ← جستجو در ذات حق و شناخت او ← عارف در این سفر به کمک خدا به سیر در کهالات و اسماء و صفات خدا می پردازد .

سفر سوم ← بازگشت به سوی مردم جامعه ← عارف در این سفر ضمن جدا نشدن از ذات خلق به میان مردم باز می گردد .

سفر چهارم ← سفر همراه مردم به سوی خدا ← این سفر عارف به منزله ی کمک به مردم برای پیمودن مسیر کامل است در حقیقت عارف مردم را به سوی آنچه خود در سفر اول گذرانیده است هدایت می کند .

8- الف: ملاصدرا مسائل فلسفه را به چند دسته تقسیم می کند آن ها را نام ببرید؟ (سلوک ذهنی فیلسوف)

مبحث اول : علم به احوال وجود و مسائل عام فلسفه

مبحث دوم : توحید و خدا شناسی و شناخت صفات الهی

مبحث سوم : مباحث افعال خدا جریان فیض هستی و مراتب عقول و ...

مبحث چهارم: مباحث نفس و معاد

ب: مباحث چهار گانه افسار اربعه با کدام سفره های چهار گانه عرفانی مطابقت دارد ؟

1- علم به احوال وجود سفر اول

2- توصیه و خدا شناسی صفات الهی سفر دوم

3- مباحث افعال خداوند و جریان فیض هستی سفر سوم

## 4- مباحث نفس و معاد سفر چهارم

9- توضیح دهید مقصود عرفا از « سفر من الحق الی الخلق بالحق » چیست و معادل کدام مبحث فلسفی ملاصدرا است ؟

سالک در این سفر به سوی خلق ( مردم ) باز می گردد اما این بازگشت به منزلی جدایی از حق نیست و این سفر معادل مباحث افعال خدا و جریان فیض هستی و مراتب عقول در فلسفه ملا صدرا است. ( مبحث سوم )

\* درس یازدهم \*

1-2 پرسش اصلی در بحث اصالت وجود چیست ؟ طرفداران اصالت وجود و طرفداران اصالت ماهیت ، در مورد وجود و ماهیت چه عقیده ای دارند ؟

وقتی فلاسفه یک موجود را بررسی می کنند دو مفهوم را به آن نسبت می دهند . وجود و ماهیت . بعضی از فلاسفه شی را ما به ازاء وجود می دانند و به اصطلاح می گویند اصالت با وجود است و بعضی دیگر اصالت را به ماهیت می دهند وجود را امری ذهنی و انتزاعی می دانند .

3- سیر تاریخی بحث اصالت وجود را بنویسید ؟

بحث اصالت وجود و ماهیت نخستین بار توسط میر داماد طرح شده است ولی به اعتقاد اهل تحقیق مشائیون به اصالت وجود و اشراقیون به اصالت ماهیت اعتقاد داشتند . ملا صدرا هم معتقد به اصالت وجود بود .

5- آیا مفهوم وجود ، مشترک لفظی است یا معنوی ؟ با مثال توضیح دهید ؟

مشترک معنوی چون مفهوم وجود درباره ی هر چه به کار رود معنا ی یکسان دارد .

5- اشتراک معنوی وجود چه نتیجه ای را بر دارد ؟

این نتیجه را در بر دارد که اشیا با آن که از حیث خواص و آثار مختلف اند همه از آن جهت که موجود اند یک حقیقت اند .

6- نظریه تشکیک وجود (وحدت در عین کثرت و کثرت عین وحدت) را از نظر ملاصدرا با مثال توضیح دهید ؟

هر چند حقیقت وجود یکی بیش تر نیست اما این حقیقت شدت و ضعف دارد ( مانند نور) یعنی حقیقتی مشکک است و اختلافی که بین موجودات وجود دارد ناشی از شدت و ضعف مرتبه وجودی آن هاست و همه آن ها در اصل وجود با هم وحدت دارند در حقیقت تمام موجودات از حیث وجود وحدت دارند و کثرت آن ها از حیث شدت و ضعف مرتبه ی وجودی آنهاست.

7- به نظر ملاصدرا ملاک نیازمندی معلول به علت چیست به اختصار توضیح دهید ؟

ملاک نیازمندی جهان معلول که علت را باید در ضعف و نقض مرتبه وجودی آن دانست یعنی جهان دارای فقر وجودی است و همین فقر باعث نیازمندی آن به علت است ( نظریه ی فقر جودی - یا امکان فقری)

8- طبق نظریه فقر وجودی ملاصدرا جهان چگونه می باشد ؟

با توجه به نظریه فقر وجودی جهان هستی یک پارچه نیازمند ذات حق هستند و اگر خداوند لحظه ای عنایت خویش را از جهان بگیرد تمام جهان هستی محو و نابود خواهد می شود .

9- خدا شناسی در پرتو حرکت جوهری ملاصدرا چگونه است ؟ توضیح دهید ؟

در حکمت متعالیه وجود حقیقتی یگانه در کل جهان هستی است و ذات خدا شدیدترین و برترین مرتبه وجودی است که وابسته به هیچ موجودی نیست و به هیچ قید و شرطی مقید و مشروط نیست .

10- جوهر و عرض را در اصطلاح فلسفی توضیح دهید ؟

جوهر: آن جنبه از شی که وابسته به خودش است و موضوع صفت های گوناگون قرار می گیرد جوهر نام دارد .

عرض: صفات و حالات اشیا که به خود وابسته نیستند . مانند : رنگ ، بو ، مزه ، و ...  
عرضیات گفته می شود.

11- حکمای پیش از ملاصدرا حرکت را در جوهر می دانستند یا در عرض ؟ دلیل آن ها را با ذکر مثال توضیح دهید ؟

آن ها معتقد بودند در هر تغییر موجودات جوهر شی هیچ تغییری نمی کند و فقط عرضیات شی دست خوش تغییر می شوند و اگر جوهر تغییر کند شی نابود می شود زیرا جوهر حافظ و نگهبان هر شی است .

12- یکی از شبهاتی که در مورد حرکت جوهری مطرح شده است « شبهه ی گم شده ی متحرکت » است آن را توضیح دهید ؟

در نگرش اصالت ماهیت هر چیزی دارای ماهیت و جوهر است و همین جوهر و ماهیت است که واقعیت و عینیت دارد پس واقعیت هر چیز در گرو ماهیت آن است و تغییر و تبدیل ماهیت موجب نفی و نابودی شی خواهد شد .

13 - الف : به نظر ملاصدرا انکار حرکت جوهری از آثار عقیده به چیست ؟ توضیح دهید ؟

ناشی از اعتقاد به اصالت ماهیت است .

در نگرش اصالت ماهی هر چیزی دارای ماهیت و جوهر معینی است و همین جوهر و ماهیت است که واقعیت و عینیت دارد واقعیت هر چیز در گرو ماهیت آن است و تغییر و تبدیل ماهیت موجب نفی واقعیت شی خواهد شد .

14- موجود ثابت و موجود متغیر را از نظر ملاصدرا با مثال توضیح دهید ؟

موجود ثابت : موجودی که در مرتبه ی تغییر ناپذیر و معینی دارد و از قوه و فعل مبرا است و استعداد تغییر و حرکت ندارد . چنین موجودی برتر از علم طبیعت است ( منظور فرشتگان است )

موجود متغیر :

موجودی که سراسر تغییر و حرکت است و همیشه از یک مرتبه وجودی به سمت مرتبه بالاتر در حرکت و تغییر است و از ثبات و قرار محروم است این موجود دارای ابعاد سه گانه ( طول ، عرض ، ارتفاع ) است ... ( یعنی تمام موجودات در عالم طبیعت ) .

15- الف: در پرتو حرکت جوهری وجود انسان چگونه توصیف شود ؟

وجود جهان در پرتو حرکت جوهری و وجود متکامل است که از مرتبه ی ضعف رو به مرتبه شدت می رود . بر این اساس ، انسان یک هویت ثابتی نیست که دچار احوال کودکی تا پیری و مرگ شود بلکه وجودی سیال است که از پایین ترین درجات وجود یا اسفل سافلین تا برترین درجات یعنی نزدیکی به وجود حق تعالی و هم نشینی با ملکوتیان و کربوبیان عرصه تغییر و حرکت اوست .

ب: وجود جهان در پرتو حرکت جوهری چگونه به نظر می آید و توضیح دهید که هدف و غایت این حرکت چیست ؟

بر اساس اصل حرکت جوهری ، هیچ نقطه ثابتی در جهان طبیعت یافت نمی شود جهان یکپارچه در شور و در غوغاست و به شوق دست یافتن مراتب بالای هستی ، خستگی ناپذیر است . وجود سیال و گسترش یابنده ی جهان هدف و غایتی را می جوید کاروان جهان رو به سوی منزلی روان و این سر منزل و غایت همان معاد و قیامت است .

16- تکامل جهان را در پرتو حرکت جوهری توضیح داده و بنویسید این تکامل چه هدفی را به دنبال دارد؟

تمام موجودات جهان در حال تغییر و تحول هستند و این تغییر و تحول از مرتبه ضعیف تر به سمت مرتبه شدید تر است و حرکت تمام موجودات به سمت تکامل در یک مرحله بر قیامت می رسد و قیامت نه تنها انسان بلکه همه کائنات را در بر می گیرد.

\*درس دوازدهم\*

1- فلسفه نظری و فلسفه عملی را تعریف کرده و تقسیمات هر یک را بنویسید؟

فلسفه نظری یا شناخت هست ها شامل همه علوم است که از واقعیت اشیاء آن چنان که هستند بحث می کند(ادراکات حقیقی انسان از عالم وجود)

تقسیمات فلسفه نظری:

فلسفه علیا:( الهیات) فلسفه اولی(مابعدالطبیعه-وجودشناسی) - الهیات بالمعنی الاخص(توحید-خداشناسی)

فلسفه وسطی:(ریاضیات)حساب - هندسه - هیئت - موسیقی

فلسفه سفلی:(طبیعیات) فیزیک-شیمی-زیست شناسی

فلسفه عملی:حکمت عملی محدود به زندگی انسان است آن چنان که باید باشد(ادراکات اعتباری مجموعه باید ها و نبایدها ی زندگی انسان است).

تقسیم فلسفه عملی : علم اخلاق ، علم تدبیر منزل و علم سیاست مدن.

2- حکمای پیشین معتقد بودند که عقل دارای دو قوه ی نظری و عملی است نظر علامه طباطبایی در این مورد توضیح دهید؟

ایشان برای انسان یک عقل قایل است و معتقد است عقل انسان زمانی که به ادراک حقیقی



وعلوم طبیعی مشغول است عقل نظری خوانده می شود و هنگامی که به احکام نبایدها و بایدها (زندگی فردی اجتماعی خود) می پردازد از عقل عملی خوانده می شود.

3- در فلسفه ی جدید غرب رابطه ی هست ها و بایدها چگونه است توضیح دهید؟

هیوم معتقد بود که بایدها و نبایدها هیچ رابطه ای با هست ها و واقعیت ها ندارند بلکه باید ها و نبایدها و ارزش های اخلاقی را تابع عواطف و احساسات آدمی و نسبی می دانست.

5- در فلسفه جدید غرب رابطه ای بین هست ها و بایدها قطع می شود تحلیل علامه طباطبایی را در این مورد به اختصار توضیح دهید؟

1- علامه معتقد است ریشه ادراکات حقیقی (هست ها) و ادراکات اعتباری عقل انسان است و ریشه این دو قوه جداگانه نیست و مبدا ادراکات حقیقی و اعتباری یکی است پس جدایی این دو مسئله (هست ها و بایدها) امری است اشتباه و عقل را بازیچه خواسته ها و امیال نفسانی قرار می دهد.

2 - انسان دارای فطرت و ذات الهی و معنوی است و این فطرت انسانی است که او را به سوی فضایل و ارزش های انسانی سوق می دهد در حقیقت انسان به خاطر اینکه ذات او متمایل به کمالات است و می خواهد به کمالات انسانی دست پیدا کند به دنبال بسیاری از ارزش های اخلاقی می رود ، در این صورت ارزش های اخلاقی تابع احساسات و عواطف نیست بلکه تابع فطرت و ذات انسان است و همین ارتباط بین ذات انسان و بایدها و نبایدها باعث می شود تمام ادراکات اعتباری (بایدها و نبایدها) براساس واقعیتها و هست های وجود انسان (فطرت) شناخته شود.

6- توضیح دهید که چرا گروهی از فلسفه غرب اصل علیت را به عنوان یکی اصل عقلانی نفی کرده اند با مثال توضیح دهید؟

بعضی از فلاسفه غربی بنا به دو دلیل اصل علیت را انکار می کردند:

1- هر چیزی که بوسیله حواس قابل درک باشد واقعیت دارد چون قانون علیت با تجربه قابل اثبات نیست یعنی بوسیله حواس پنج گانه قابل درک نیست پس واقعیت خارجی ندارد و مردود است.

2- اینکه مردم به اصل علیت گواهی می دهند به دلیل این است دو حادثه پشت سرهم اتفاق می افتد و از مشاهده تعاقب دو حادثه به علیت بین آنها گواهی می دهند و می گویند حادثه دوم معلول حادثه اول است حال آنکه تعاقب دو حادثه به هیچ عنوان به علیت بین آنها گواهی نمی دهد.

7- گروهی از فلاسفه غرب اعتقاد به علیت را تعاقب دو حادثه می دانند دو انتقادی را که بر این نظریه وارد است را با مثال توضیح دهید؟

- اگر ریشه اعتقاد به اصل علیت تعاقب دو حادثه است پس باید در تمام حوادثی که پشت سرهم اتفاق می افتد رابطه علیت قائل باشیم در صورتی که چنین نیست مانند رعد و برق که در دو پشت سرهم اتفاق می افتد ولی هیچ کس رعد را معلول برق نمی داند یا شب و روز که در پس هم می آیند و...

- اگر تکرار حوادث متوالی همیشه ما را به علیت می رساند پس باید بین تکرار حوادث متوالی و قانون علیت هم رابطه علیت باشد در صورتی که چنین نیست.

8- از نظر علامه طباطبایی انسان چگونه رابطه علیت را کشف کرد؟

در حقیقت علامه طباطبایی معتقد است رابطه علیت یک رابطه وجود دهندگی است که هر انسانی این اصل را از طریق علم حضوری به نفس خویش در می یابد یعنی هر انسانی اول بار در نفس خویش به علم حضوری آن را درک می کند یعنی علیت برای هر انسانی معلوم بذات است.

9- تکیه گاه شناخت را از نظر علامه طباطبایی توضیح دهید؟

تکیه گاه شناخت در تمام علوم ، مفاهیم پایه ای و قضایای بدیهی هستند (مانند اصل امتناع تناقض، اصل علیت و...) این اصول برای انسان به علم حضوری قابل کشف است پس تمام علوم وابسته به اصول بدیهی عقلانی هستند که انسان در نفس خویش به علم حضوری آنها راکشف می کند.

\*درس سیزدهم\*

1- توضیح دهید که چه زمانی فرهنگ یک ملت دست خوش زوال می گردد؟

فرهنگ یک ملت زمانی دست خوش زوال می گردد که ارزش خود را برای آن ملت از دست بدهد.

2- خاور شناسی از چه زمانی آغاز شد و انگیزه اصلی تشکیل آن چه بود؟

از قرن 19- انگیزه اصلی خاور شناسان در این پژوهش نشان دادن برتری نژاد غربی در علم و تفکر و اثبات این نکته بود ریشه ی همه ارزش های فرهنگی شرق را نیز در نهایت باید در فرهنگ غربی جست جو کرد.

3- نگرش مستشرقین در مورد تمدن و فلسفه اسلامی چیست؟

1- نژاد غرب برترین نژاد در علم و تفکر است.

2- همه ارزش های فرهنگی شرق را باید در فرهنگ غرب جست و جو کرد.

3- آنها معتقدند تمدن اسلامی از زمانی آغاز شد که مسلمانان با تمدن غرب آشنا شدند یعنی اصل تمدن و علوم از یونان شروع و مدتی بوسیله مسلمانان نگهداری و در نهایت به دست صاحبان اصلی آن برگردانده شده است.

4- آنها فلسفه اسلامی را تفصیل فلسفه یونانی می دانند و آن را به فلسفه عربی می خوانند.

4- ویژگی های سنت اسلامی را نام ببرید؟

1- تفکر و اخلاق 2- پیوند سازمانی 3- وسعت نظر

5- یکی از ویژگی‌های سنت فلسفی اسلامی «تفکر و اخلاق» است آن را توضیح دهید؟

پیام سنت فلسفی اسلامی این است که فلسفه پیمودن راه تعالی و کمال است و همیشه فیلسوف شدن با نوعی کمال و تعالی معنوی و اخلاقی همراه است.

6- یکی از ویژگی‌های سنت فلسفی اسلامی «پیوند سازمانی» است آن را توضیح دهید؟

فلاسفه اسلامی بین استدلال عقلی و ذوق عرفانی و آیات قرآنی پیوند عمیق و سازمانی ایجاد کرده‌اند.

7- یکی از ویژگی‌های سنت فلسفی اسلامی «وسعت نظر» است آن را توضیح دهید؟

فلسفه اسلامی منحصر به گروه خاص نیست و هیچگاه قومی و قبیلگی و محلی نبوده و خود را متعلق به جامعه خاصی ندانسته است و دیدگاه فلسفه اسلامی به وسعت بشریت است.